

## آزادی

### درس سوم:

عارف قزوینی شاعر و تصنیف‌ساز معروف مشروطه است. صدایی خوش داشت و به همین دلیل مورد توجه مظفرالدین شاه قرار گرفت. با شروع نهضت مشروطه به جمع آزادی‌خواهان پیوست و شعر و موسیقی را به خدمت انقلاب درآورد. ترانه‌های میهنی او قابل توجه است. شعر آزادی در قالب غزل، نمونه‌ای از اشعار وطنی اوست که به سلطه بیگانگان و بیدادگری محمدعلی شاه اشاره دارد.



مشخصات شعر: شاعر: عارف قزوینی / لحن: میهنی / نوع ادبی: پایداری / قالب: غزل اجتماعی / وزن شعر:فاعلاتن، فعلاتن، فعلاتن، فعلن

**نالۀ مرغ اسیر این همه بهر وطن است مسلک مرغ گرفتار قفس، همچو من است**

● **معنی:** تمام ناله من به خاطر وطن است. پرنده‌ای که در قفس آواز می‌خواند به شیوه‌ی من زندانی، ناله سر می‌دهد.

● **قلمرو زبانی:** مسلک: روش / اسیر: صفت مضاف الیه / بهر: حرف اضافه / وطن: متمم در جایگاه مسند / این همه: قید

● **قلمرو ادبی:** مراعات نظیر: مرغ، اسیر، قفس، گرفتار / «نالۀ» استعاره از شعر و سخن شاعر / مرغ اسیر: استعاره از شاعر / مصرع دوم تشبیه و تشخیص

**همت از باد سحر می طلبم گر ببرد خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است**

● **معنی:** از باد سحر یاری می‌طلبم تا شاید خبر گرفتاری مرا به دوستان آزاد و رها برساند! \* پیام بیت دعوت به قیام و حرکت است.

● **قلمرو زبانی:** همت: کمک، اراده؛ در بیت به معنی یاری و کمک است. / همت خواستن: یاری طلبیدن / طرف: کناره، کنار / خبر: مفعول

● **قلمرو ادبی:** کمک طلبیدن از باد سحر: تشخیص / باد سحر: نماد پیک و پیام‌رسانی است / به طرف چمن بودن: کنایه از آزاد و رها بودن

**فکری ای هم وطنان، در ره آزادی خویش بنمایید که هر کس نکند، مثل من است**

● **معنی:** ای هم وطنان برای آزادی خود فکری بکنید؛ و گرنه شما نیز همچو من گرفتار خواهید شد.

● **قلمرو زبانی:** خویش: مضاف الیه مضاف الیه / هر کس [فکری] نکند: حذف قسمتی از جمله به قرینه لفظی / مثل: حرف اضافه و ادات تشبیه

**خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد زاشک ویران کنش آن خانه که بیت الحزن است**

● **معنی:** وطنی که به دست بیگانگان آباد شود، آن را با اشک ویران کن؛ زیرا چنین وطنی خانه غم و اندوه است. (وطن دوستی و استعمارستیزی)

● **قلمرو زبانی:** کاو: که او / اجانب: بیگانگان، جمع اجنبی / ویران: مسند / «ش» در «کنش»: مفعول / بیت الحزن: خانه غم، ماتمکده

● **قلمرو ادبی:** خانه استعاره از وطن / تضاد: آباد، ویران / بیت الاحزان: تلمیح دارد. (طبق روایات نام کلبه‌ای است که حضرت یعقوب در آن از غم فراق یوسف می‌گریست.)

**جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است**

● **معنی:** لباسی که در راه وطن به خون آغشته نشود؛ آن را پاره کن؛ زیرا چنین لباسی مایه ننگ است و از کفن هم کم ارزش تر است.

پیام بیت: وطن پرستی و جانبازی در راه وطن است.

● **قلمرو زبانی:** وطن: متمم / بدر: پاره کن / جامه: پیراهن / «آن جامه» مفعول / ننگ: رسوایی، بدنامی / غرقه به خون: مسند / او: بدل / کم: کمتر

● **قلمرو ادبی:** کم از کفن بودن: کنایه از کم ارزش بودن

**آن کسی را که در این مُلک سلیمان کردیم ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است**

● **معنی:** آن کسی را که در این سرزمین به پادشاهی رساندیم و او را چون سلیمان عادل می‌دانستیم، اکنون ملت یقین حاصل کرده است که وی (محمدعلی شاه) اهریمنی است که به جای سلیمان بر تخت نشسته است..

● **قلمرو زبانی:** مُلک: سرزمین، کشور، این مُلک: ایران / اهرمن (اهریمن): شیطان / آن کسی: مفعول / سلیمان: مسند

● **قلمرو ادبی:** سلیمان کردن: کنایه از به پادشاهی رساندن / تضاد: اهریمن و سلیمان / بیت تلمیح دارد به بیدادگری‌های محمدعلی شاه و

ماجرای حضرت سلیمان و اهریمن (گویند راز فرمانروایی و قدرت سلیمان در انگشتی وی بود که نام‌های پروردگار بر آن حک شده بود. اهریمن به ترفندی آن را به دست آورد و مدتی به جای او بر تخت نشست.)

## دفتر زمانه



میرزا محمد، متخلص به **فرخی یزدی**، در سال ۱۲۶۷ شمسی در یزد متولد شد. در اوان جوانی به جمع آزادی خواهان پیوست. به جرم سرودن شعری انتقادی، دهانش را با سوزن و نخ دوختند و به زندانش افکندند؛ اما دست از مبارزه نکشید. اشعار داغ و آتشین او در مجلات تهران چاپ می‌شد و مورد استقبال آزادی خواهان قرار می‌گرفت. وی در شهریور ۱۳۱۸ شمسی در زندان به طرز مرموزی کشته شد. شعر «دفتر زمانه» از غزل‌های اجتماعی اوست.

**هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت**

● **معنی:** همیشه به داشته‌هایم قانع بودم آری به همین دلیل هرگز غمگین نبودم. (توصیه به قناعت و آزادگی)

● **قلمرو زبانی و ادبی:** «کم و بیش»: تضاد / واژه آرای: تکرار غم و بیش و کم (انسانی) / هرگز و آری: قید // حذف نهاد (دل) به قرینه لفظی وزن شعر: مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن

**در دفتر زمانه فتد نامش از قلم هر ملتی که مردم صاحب قلم نداشت**

● **معنی:** هر ملتی که اندیشمند و متفکر نداشته باشد، در تاریخ فراموش می‌شود.

● **قلمرو زبانی و ادبی:** دفتر زمانه: اضافه تشبیهی / فتد (=می‌افتد): مضارع اخباری / از قلم افتادن کنایه از حذف شدن، فراموش شدن / صاحب قلم: کنایه از اندیشمند، ادیب و نویسنده

**در پیشگاه اهل خرد نیست محترم هر کسی که فکر جامعه را محترم نداشت**

● **معنی:** هر کسی که به رأی اکثریت جامعه احترام نگذارد (خرد جمعی را نپذیرد)، در نظر خردمندان، محترم نیست.

● **قلمرو زبانی و ادبی:** پیشگاه: مجاز از دیدگاه و نظر / جامعه: مجاز از مردم جامعه

**با آن که جیب و جام من از مال و می تهی است ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت**

● **معنی:** با آن که وضع مالی خوبی ندارم و وسایل شادی من فراهم نیست، اما آرامش خاطری دارم که پادشاهی چون جمشید نداشت.

● **قلمرو زبانی و ادبی:** مصرع نخست لف و نشر مرتب دارد. لف‌ها: «جیب» و «جام» ← نشرها: «مال» و «می» (انسانی) / جام و جم: جناس

واج آرای: تکرار «ج» و «م» / فراغت: آسودگی، آسایش (فراقت: دوری) // جم: مخفف جمشید از پادشاهان اساطیری / جمشید جم: تلمیح /

ما را (=برای ما)، ما: متمم

**انصاف و عدل داشت موافق بسی ولی چون فرخی موافق ثابت قدم نداشت**

● **معنی:** عدل و انصاف طرفداران بسیاری داشت اما هیچ کدام مانند فرخی در اعتقاد خود ثابت قدم نبود.

● **قلمرو زبانی و ادبی:** انصاف و عدل: رابطه معنایی ترادف / موافق: هم‌رای و همراه / داشت و نداشت: تضاد

**قلمرو زبانی**

**کارگاه متن پژوهی:**

۱- معنای واژه «همت» را در بیت‌های زیر بررسی کنید.

الف) همت اگر سلسله جنبان شود مور تواند که سلیمان شود (وحشی بافقی)  
عزم و اراده

◀ مفهوم بیت: اگر عزم و اراده محرک انسان شود، ضعیف‌ترین انسان‌ها می‌توانند به بزرگی و قدرت برسند.  
سلسله: زنجیر، سلسله‌جنبان: محرک، آن که دیگران را به کاری برمی‌انگیزد.

ب) همتیم بدرقه راه کن ای طایر قدس که دراز است ره مقصد و من نو سفرم (حافظ)  
دعا از صمیم قلب، دعای خیر پیر

◀ معنی بیت: ای پیر! در این راه (سلوک عرفانی)، دعای خیر خود را همراه من ساز؛ زیرا راه مقصد دراز است و من مسافری کم‌تجربه‌ام.  
طایر: پرنده / قدس: پاکی / طایر قدس: کنایه از فرشته، جبرئیل

۲ در کدام بیت‌ها، یکی از اجزای جمله حذف شده است؟ نوع حذف را مشخص کنید.

- فکری ای هم وطنان در ره آزادی خویش بنمایید که هر کس [فکری] نکند مثل من است
- جامه ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن بدر آن جامه که ننگ تن و [آن جامه] کم از کفن است
- هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت آری [دلم] نداشت غم که غم بیش و کم نداشت
- انصاف و عدل داشت موافق بسی ولی چون فرخی، [انصاف و عدل] موافق ثابت قدم نداشت
- با آنکه جیب و جام از مال و می تهی است ما را فراغتی است که [آن فراغت را] جمشید جم نداشت

**قلمرو ادبی**

۱- کدام یک از ترکیب‌ها و واژه‌های مشخص شده، مفهوم مجازی دارند؟ دلایل خود را بنویسید.

الف) ناله مرغ اسیر این همه بهر وطن است مسلک مرغ گرفتار قفس، هم چو من است  
معنای مجازی (استعاره از شاعر) معنای حقیقی (پرنده اسیر در قفس)

ب) نشاط غربت از دل کی برد حب وطن بیرون به تخت مصرم اما جای در بیت الحزن دارم صائب تبریزی  
معنای مجازی (مجاز از وطن و زادگاه است.)

پ) در بیت الاحزان درآمد و نالید؛ چنانچه هر پرنده بر بالای سر یعقوب بود، بنالید قصص الانبیا  
معنای حقیقی

۲- با توجه به بیت‌های زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید

با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی است ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت  
در دفتر زمانه فتد نامش از قلم هر ملتی که مردم صاحب قلم نداشت  
الف) درباره تلمیح به کار رفته در بیت اول توضیح دهید.

◀ بیت مورد نظر به دوران فرمانروایی جمشید تلمیح دارد. جمشید یکی از پادشاهان اسطوره‌ای ایرانیان است. از دوران پادشاهی وی با نام «عصر طلایی» یاد می‌شود. در این دوران، مردم در آسایش و رفاه و به دور از مرگ و بیماری و بلایا زندگی می‌کردند.

ب) مصراع‌های مشخص شده را با توجه به آرایه «کنایه» بررسی کنید

◀ خالی بودن جیب از مال کنایه از فقیربودن / خالی بودن جام از می کنایه از نداشتن اسباب خوشگذرانی / از قلم افتادن کنایه از فراموش شدن

## قلمرو فکری

۱- شعر «آزادی» نمونه‌ای از اشعار وطنی عارف قزوینی است که به سلطه بیگانگان و بیدادگری محمد علی شاه اشاره دارد؛ با توجه به این نکته معنی و مفهوم بیت‌های زیر را بنویسید:

الف) آن کسی را که در این مُلک، سلیمان کردیم ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است

• آن کسی را که در این کشور به پادشاهی رساندیم و او را چون سلیمان عادل دانستیم، اکنون ملت مطمئن شده‌است که وی (محمد علی شاه) شیطانی است که به جای سلیمان بر تخت نشسته است.

ب) خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد ز اشک ویران کنش آن خانه که بیت‌الحزن است

• وطنی که به دست بیگانگان آباد شود، آن را باید با اشک ویران کرد؛ زیرا چنین وطنی خانه غم و اندوه است و مایه ننگ.  
\* پیام بیت وطن دوستی و استعمارستیزی است

۲- در متن درس، مقصود از موارد زیر چیست؟

الف) رفیقی که به طرف چمن است: دوستان غافل و بی‌خبر که به فکر جامعه نیستند و لذات و تفریحات خود را دنبال می‌کنند.

ب) مردم صاحب قلم: اندیشمندان (نویسندگان و شاعران)

۳- به غزل‌هایی که محتوای آنها بیشتر مسائل سیاسی و اجتماعی است، غزل اجتماعی می‌گویند؛ در عصر مشروطه با توجه به دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی، این نوع غزل رواج یافت؛ در سروده‌های شاعرانی چون محمد تقی بهار، عارف قزوینی و فرّخی یزدی می‌توان نمونه‌های آن را یافت. از این دیدگاه، متن درس را تحلیل و بررسی کنید.

◀ قبل از مشروطیت، غزل غالباً محتوایی عاشقانه یا عارفانه داشت؛ اما بعد از مشروطه با ورود مضامین سیاسی و اجتماعی چون آزادی، قانون، عدالت، استبداد، بیگانه‌ستیزی، میهن پرستی و... شکلی کاملاً متفاوت پیدا کرد. کاربرد این مضامین در متن دو غزل نیز مشهود است.

۴- فرّخی یزدی، در بیت آخر، خود را با کدام ویژگی معرفی می‌کند؟

ثابت قدم بودن در عدالت‌خواهی

۵- با توجه به ادبیات پایداری، مضمون مشترک ابیات زیر را بنویسید.

الف) جامه ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن بدَر آن جامه که ننگتن و کم از کفن است عارف قزوینی

ب) فرّخی ز جان و دل می کند در این محفل دل نثار استقلال، جان فدای آزادی فرّخی یزدی

◀ هر دو بیت بر این تاکید دارند که در راه آزادی و استقلال وطن باید از جان گذشت.

در لحظات اول عملیات که خطوط ۱ دشمن شکسته شد، پشت سر نیروهای ما ارتفاعات موسوم ۲ به «کله قندی» ۳ بود که دشمن با استقرار ۴ سلاح‌های زیادی قلّه را در دست داشت. ۵ شهید ساجدی ۶ با توجه به اینکه نسبت به همه مسائل آگاهی داشت، روحیه خود را نباخته ۷، احداث یک خاکریز دوجداره را تنها راه حل می دانست. با توجه به امکانات محدود مهندسی و دید و تسلط دشمن، قبول و اجرای این طرح خیلی سخت بود. به ویژه که لازم بود در فاصله زمانی شب تا سپیده دم اجرا و احداث ۸ می شد ولی ایشان به اجرای این طرح ایمان داشت و با قاطعیت می گفت: «خاکریز را صبح تحویل می دهیم».

عملیات احداث خاکریز شروع شد. آن شب برادران جهاد و در رأس ۹ آنها شهید ساجدی، آرام و قرار نداشتند. در اولین دقایق صبح، احداث این خاکریز هشت نه کیلومتری به پایان رسید و خاکریزی که به کمک دو نیروی مهندسی شروع شده بود، تقریباً در وسط به هم رسیدند و اتمام خاکریز روحیه عجیبی در بین برادران جهادگر و رزمندگان ایجاد کرد اما این کار شهید ساجدی را راضی نمی کرد. او پیش بینی می کرد که با توجه به تسلط دشمن بر ارتفاعات رو به رو و ارتفاعات پشت، امکان زیر آتش ۱۰ گرفتن بچه‌ها وجود دارد؛ به همین دلیل، مرحله دوم کار را شروع کرد. خاکریزی به طول چند کیلومتر در پشت خاکریز اول که از آن به عنوان خاکریز دوجداره یاد می شود، احداث نمود. آن روز با تدبیر ۱۱ حساب شده شهید ساجدی، رزمندگان توانستند در برابر نیروهای دشمن مقاومت کنند و به پیروزی رسند.

روایت سنگر سازان ۲، عیسی سلمانی لطف آبادی

### ◀ قلمرو زبانی و ادبی متن:

۱- خطوط: جمع خط، صف سپاه

۲- موسوم: شناخته شده، معروف

۳- کله قندی نام بلندی‌هایی در شمال استان ایلام.

۴- استقرار: برپایی، برقرار و ثابت کردن کسی یا چیزی در جایی، مستقر شدن

۵- در دست داشتن کنایه از: ، در اختیار داشتن، مسلط بودن

۶- حاج هاشم ساجدی، اهل دامغان در پنجم آبان ۱۳۶۳ در غرب کشور به شهادت رسیدند

۷- روحیه خود را نباختن کنایه از: امیدوار بودن

۸- احداث: ساخته شدن

۹- رأس: سر، مجازاً اول چیزی، بلندی و بالای چیزی، بزرگ و سرور قوم

۱۰- آتش: مجازاً گلوله

۱۱- تدبیر: عاقبت اندیشی

◀ چند نکته دستوری:

- پشت سر ما ارتفاعات «کله قندی» بود: ← «بود» فعل غیر اسنادی در معنی «وجود داشت»
  - این کار شهید ساجدی را راضی نمی کرد. ← جمله چهار جزئی با مفعول و مسند. // شهید: وابسته پیشین (شاخص)
  - احداث یک خاکریز دوجداره را تنها راه حل می دانست. ← جمله چهار جزئی با مفعول و مسند
  - اجرای این طرح خیلی سخت بود. ← این: وابسته وابسته (صفت مضاف الیه) // خیلی: قید
  - احداث یک خاکریز ← احداث: هسته / یک: صفت مضاف الیه (وابسته وابسته) // خاکریز: مضاف الیه
  - عملیات احداث خاکریز ← عملیات: هسته // احداث: مضاف الیه // خاکریز: مضاف الیه (وابسته وابسته)
- توضیح: مبحث جملات چهار جزئی «مفعولی-مسندی» در پایان درس هفتم و مبحث «وابسته‌های وابسته» در پایان درس‌های هشتم و نهم آمده است.